

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال چهارم، شماره (۱۵)، پاییز ۱۳۹۴ صص ۱۹۵-۲۲۶

تحلیل و ارزیابی گره ترکمنستان در شبکه منطقه‌ای ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی همکاری ایران و ترکمنستان

احسان یاری*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز

مرضیه عابدی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه شیراز

چکیده

قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران بین دو حوزه بسیار مهم دریای خزر و خلیج فارس، اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و استراتژیکی خاصی به آن بخشیده است. ایران با تکیه بر این ویژگی‌ها می‌تواند در زمینه‌های مختلفی همانند انتقال انرژی نقش بی‌بدیلی داشته باشد و جایگاه مهمی در نظام بین‌الملل از همکاری تا همگرایی و ایجاد پیوندهای شبکه‌ای ایفا کند. در نگاه اول به نظر می‌رسد ایران با داشتن این پتانسیل‌های بسیار مناسب، در راستای دستیابی به اهداف سیاست خارجی در آسیای مرکزی، به‌ویژه در ترکمنستان، به دلیل دارا بودن امتیاز همسایگی و نیاز این منطقه برای توسعه به کمک‌های خارجی، موفقیت بسیار چشم‌گیری را به دست آورده باشد، اما پس از بررسی روابط تجاری و اقتصادی ایران با ترکمنستان کمتر نتیجه مطلوبی را مشاهده می‌کنیم. علی‌رغم ابراز تمایلات ایران برای بهبود روابط و انجام اقدامات لازم برای همکاری‌های هرچه بیشتر اقتصادی، همانند فراهم‌سازی مسیرهای ترانزیت یا امکان انجام مبادلات انرژی، توفیق چندانی حاصل نشده است. استدلال اصلی این مقاله آن است که این ناکامی برای پیگیری یافتن گره در این منطقه، به‌عنوان حلقه‌ای در استراتژی شبکه‌سازی، بیشتر معلول مانع‌تراشی‌های سیستم بین‌الملل در تقابل با رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در واقع سیستم با طرح همه چیز بدون ایران در این منطقه، عملاً حتی همکاری‌های ساده اقتصادی این کشورها را با ایران با محدودیت‌های جدی مواجه کرده است.

واژگان کلیدی: نظریه شبکه، ایران، ترکمنستان، ژئواکونومی، ژئوپلیتیک انرژی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۷/۲۷

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: e.yari22@gmail.com

۱. مقدمه

در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی، اسلوب ژئوپلیتیک روش عمده تحلیل موضوعات روابط بین‌الملل تلقی می‌شد. پس از پایان جنگ سرد و اولویت یافتن مسائل اقتصادی بر مسائل نظامی، انطباقی بین قلمروهای ژئوگرافیک و ژئواستراتژیک پدید آمد. در همین راستا پویایی سیستم بین‌الملل در سیر زمانی منجر به متحول شدن آن می‌شود. یکی از مهم‌ترین تحولات روابط بین‌الملل اهمیت و شدت یافتن ارتباطات است. این تحول مرزبندی‌های سیستمی را تغییر داده و عناصر نوینی را وارد عرصه تحلیل کرده است. در این میان، ارتباطات سبب شکل‌گیری نقاط، حلقه‌ها و گره‌های مختلف در محیط عملیاتی یک کشور می‌شود. به عبارت دیگر، نظم سیستمی تبدیل به نظم شبکه‌ای شده که در آن مناطق به‌عنوان حلقه‌های یک شبکه خاص مطرح می‌شود. (قاسمی، ۱۳۹۲: ۶۶) نظم شبکه‌ای این امکان را ایجاد می‌کند که کشورها فراتر از حصار ژئوپلیتیکی خود و به دور از ساخت‌های کنترلی سنتی سیستم، مناطق جدیدی را برای خود تعریف کنند.

در این میان با توجه به سیستم‌های مدیریتی با اسلوب ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک، ایران از نظر ساخت کنترلی سیستم، جز کشورهای کنترل شونده قرار دارد. از این حیث ایران در این سیستم‌ها برای کنش‌های منطقه‌ای با محدودیت‌های جدی از سوی سیستم مواجه است. از سوی دیگر، با مطرح شدن نظریه شبکه به همراه ویژگی‌های خاص آن، افق‌های جدیدی از منظر این نظریه برای ایران ایجاد شده است تا به دور از محدودیت‌های سیستمی، در مناطق پیرامونی خود امکان ایفای نقش داشته، حتی مناطق جدیدی را برای خود تعریف کند.

از لحاظ ژئوپلیتیکی و جغرافیایی، ایران در منطقه جنوب غرب آسیا قرار گرفته و پنج حلقه ژئوپلیتیکی در حوزه امنیت و منافع ملی آن دخیل می‌باشند. این حلقه‌ها که به‌عنوان بخش‌هایی از حوزه امنیت ملی ایران تلقی می‌شوند، نظام‌های منطقه‌ای پیرامونی هستند که شامل مناطق زیر می‌شوند: ۱. منطقه خلیج فارس؛ ۲. منطقه خاورمیانه؛ ۳. منطقه قفقاز شامل آذربایجان، گرجستان و ارمنستان؛ ۴. منطقه شبه‌قاره؛ ۵. منطقه آسیای مرکزی. ایران برای آنکه بتواند قدرت مانور خود را در محیط عملیاتی خویش افزایش دهد، تلاش دارد تا مناسبات خود را با همسایگانش در همه ابعاد به‌ویژه همکاری‌های اقتصادی گسترش دهد. در همین راستا دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، به‌عنوان یکی از حلقه‌های مطرح شبکه، الگوی خاصی را در پیش گرفته است: ۱. میانجی‌گری و مدیریت منازعات منطقه‌ای با هدف دفع تهدیدات و ارائه تصویری جدید از ایران و همچنین جلب اعتماد این کشورها؛ ۲. گسترش استراتژیک با روسیه با هدف خنثی‌سازی محدودیت‌های اعمالی از سوی آمریکا، ترکیه و اسرائیل و کاهش نفوذ بازدارنده آنان در منطقه. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۴۴۰) بنابراین،

باید توجه داشت که بخشی از نقش‌آفرینی ایران در شبکه‌سازی آسیای مرکزی علاوه بر جست‌وجوی منافع متوجه کسب توانایی بازراندگی تهدیدات است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۲) در همین راستا گسترش راه‌های مواصلاتی و شبکه‌های ارتباطی و توسعه راه‌ها و بندرها یکی از وجوه سیاست خارجی ایران بوده، به‌گونه‌ای که کشور به پل ارتباطی - تجاری بین آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس تبدیل شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۴۳۷)

از میان کشورهای آسیای مرکزی، ترکمنستان با توجه به ویژگی‌های خاص خود پتانسیل‌های بالایی برای مطرح شدن به‌عنوان گره احتمالی شبکه ایران در حلقه آسیای مرکزی داراست. برای ترکمنستان در دوران پس از نیازآف افزایش مبادلات اقتصادی با کشورهای منطقه به‌عنوان یک اصل اساسی در دستور کار قرار دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد در سال‌های آتی روابط این کشور با ایران ابعاد جدید همکاری‌ها را در زمینه‌های مختلف حمل‌ونقل، تبادل انرژی، و توسعه صنایع نیمه سبک و مواد غذایی و پوشاک تجربه کند. البته با وجود آنکه اقتصاد ترکمنستان به دلیل جمعیت کم آن نمی‌تواند بازار تعیین‌کننده‌ای برای ایران باشد، اما به دلیل آنکه اکثر شهرهای بزرگ ترکمنستان در نزدیکی مرزهای ایران قرار دارند و نیز موقعیت سرزمینی این کشور که مانند افغانستان دروازه ورودی ایران به آسیای مرکزی محسوب می‌شود. در مجموع، ایران نمی‌تواند از برنامه‌ریزی برای توسعه مناسبات با ترکمنستان چشم‌پوشی کند. تاریخ، فرهنگ و دین مشترک زمینه‌های بالقوه مهمی را به وجود آورده است که محور همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور را مستحکم می‌کند، اما نظم شبکه‌ای تا چه میزان می‌تواند ایران را از ساخت کنترلی سیستم‌های ژئواستراتژیک رها کرده و فرصت کنش‌های منطقه‌ای به این کشور عطا کند. در این راستا با مطرح بودن ژئواکونومی به‌عنوان یکی از متغیرهای شبکه-سازی و اولویت داشتن اقتصاد بر سایر گزینه‌ها برای ایجاد همکاری، باید فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود در این زمینه را بررسی کرده، با دیدی روشن‌تر به سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در این زمینه اقدام کرد.

با توجه به موارد ذکرشده، این پرسش مطرح می‌شود که چه فرصت‌ها و چه چالش‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برای همکاری ایران و ترکمنستان وجود دارد و امکان مطرح شدن ترکمنستان به‌عنوان یکی از گره‌های شبکه‌سازی ایران تا چه میزان جامه عمل پوشیده است؟

۲. تعریف مفاهیم و بحث نظری

۱-۲. ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک در واقع شناخت صحیح عوامل ثابت و متغیر ناشی از جبر جغرافیایی و تأثیر متقابل آن‌ها و ضرورت‌هایی که سیاست‌های برخورد با آن‌ها را تبیین می‌کند، است. درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی برای دستیابی به قدرت، به صورتی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شده، منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. (عزتی،

۱۳۸۸:۷) به تعبیری دیگر ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه است. (میرحیدر، ۱۳۷۷:۲۲)

۲-۲. ژئواکونومیک: پایه و اساس ژئواکونومیک استدلالی است که از طرف ادوارد لوتواک ارائه شده است؛ او خبر از آمدن نظم جدید بین‌المللی در دهه نود می‌داد که در آن ابزارآلات اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند، به‌عنوان وسیله اصلی که دولت‌ها برای تثبیت قدرت و شخصیت وجودی‌شان در صحنه بین‌المللی به آن تأکید می‌کنند و این ماهیت ژئواکونومی است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵:۶۱) در این اصطلاح جدید که آن را می‌توان اقتصاد ژئوپلیتیک نیز نامید، اقتصاد وارد معادله قدیمی ژئوپلیتیک شده است. این موضوع به این معنا نیست که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک یا در برابر ژئوپلیتیک است، بلکه ژئواکونومی جزئی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است.

۲-۳. ژئوپلیتیک انرژی: رودلف کلین، یکی از ویژگی‌های پنج‌گانه کشور به‌عنوان یک واحد قدرتمند را ژئوپلیتیک می‌داند که منظور وی مشخصات جغرافیایی است. وی در واقع معتقد است که یکی از سطوح حکومت، فیزیوپلیتیک است که به ظرفیت و ذخایر طبیعی یک کشور اشاره دارد. به‌عبارت‌دیگر، با تولد واژه ژئوپلیتیک، کلین به‌نوعی به ژئوپلیتیک انرژی و اهمیت آن در پایداری حیات دولت‌ها و مناسبات میان آنان اشاره کرده است. (Luttwak, 1990 : 125) اهمیت انرژی بدان حد است که دولت‌های مصرف‌کننده، مکان‌های تولید انرژی و دولت‌های تولیدکننده، مکان‌های مصرف انرژی و هر دو مسیرهای انتقال و تکنولوژی‌های مربوط به انرژی را جزو اهداف ملی و امنیت ملی خود محسوب می‌کنند. انرژی‌های فسیلی به‌ویژه نفت و گاز از آن حیث که در بیلان انرژی جهان سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند و سیاست بین‌المللی را نیز تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

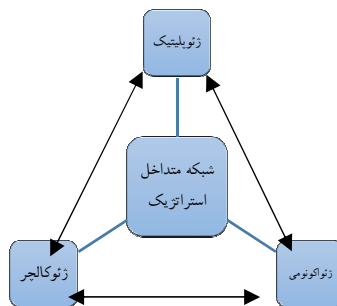
بحث نظری

استراتژی شبکه‌سازی: با توجه به اهمیت یافتن ارتباطات و تبدیل‌شدن نظم سیستمی به نظم شبکه‌ای، مفهوم منطقه و اقدام در سطح منطقه‌ای هم بر اساس نظم شبکه‌ای تحولات متعددی را تجربه کرده است. اصولاً شبکه، سازه‌ای فیزیکی است که از طریق پیوند ارتباطی بین اجزای تشکیل‌دهنده به وجود می‌آید. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان شبکه را به‌عنوان سازه ارتباطی تعریف کرد. (قاسمی و لطفیان، ۱۳۹۲: ۹۷) یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نظریه شبکه، مفهوم فضا است.

فضا در شبکه، فضای ارتباطی بوده و از نوعی سیالیت برخوردار است و ممکن است به صورت هم‌زمان گستره‌های جغرافیایی متمایز را در برگیرد. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۰؛ White, 2004:173-192) اصولاً در دیدگاه شبکه‌ای نوعی پیوند استراتژیک بین گره‌ها مشاهده می‌شود، اما این پیوندها از نوعی سیالیت برخوردار بوده و تغییرپذیر می‌باشند. به‌طورکلی نظریه‌هایی مانند: نظریه مقاطعه‌کاری، هزینه مبادله، نظریه بازی‌ها، وابستگی منافع، نظریه قدرت چانه‌زنی، نظریه رفتار یا مدیریت استراتژیک و نظریه گذار به تبیین چنین پیوندهایی می‌پردازد. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۳؛ Teng, 2000: 77-101)

از دیدگاه شبکه مهم‌ترین پرسش درخصوص نحوه ارتباط و پیوند بین مناطق و گره‌ها و نیز ارتباط آن‌ها با حلقه‌های فرادستی است. در اینجا دینامیک‌های منطقه‌الزاماً از تعاملات قدرت بزرگ پیروی نمی‌کنند. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۷؛ Buzan & weaver, 2003: 456) - تأکید بر قدرت‌های برتر در روابط بین‌الملل امری رایج است - و قدرت‌های بزرگ ممکن است تلاش قدرت‌های کوچک را برای همگرایی ناکارآمد سازند. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۸؛ Grieco, 1999) اما باید گفت که ارتباطات شبکه‌ای به صورت یک‌طرفه نخواهد بود، بلکه فضا برای پاسخ مناطق یا حلقه‌های فرودستی مهیا است. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

از سوی دیگر شبکه‌ها دارای سه گونه کلی ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئوکالچری هستند که هر کدام دارای چرخه قدرت به ترتیب، چرخه قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت هویتی، فرهنگی و شناختی خواهند بود. واحدها به صورت هم‌زمان در تمامی آن‌ها عضویت داشته و تحت تأثیر متغیرهای آن‌ها هستند، حاصل چنین چینی از شبکه‌ها شکل‌گیری شبکه جامع و متداخل منطقه‌ای خواهد بود. (قاسمی و لطفیان، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۹۹)



بر همین اساس برای ترسیم شبکه استراتژیک هر کشور باید با مینا قرار دادن چگالی ارتباطات و وجود حلقه‌های پیوندی، جایگاه هر یک از این گره‌ها را مشخص کرد. بر اساس کاربست نظریه شبکه، شبکه استراتژیک ایران البته از منظر پیوند جغرافیایی، از حلقه‌های متمایز، اما به هم مرتبط شکل گرفته است. این پژوهش بر مبنای نظریه شبکه است، بر این اساس برخی آثار و متون مبنای اصلی قرار دارند: نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای (قاسمی،

۱۳۹۰)، نگرش شبکه‌ای به مناطق و تحلیل آن‌ها از دیدگاه نظریه‌های سیکلی (قاسمی، ۱۳۸۷)، تأثیر شبکه متداخل استراتژیک ایران بر دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی (قاسمی و لطفیان، ۱۳۹۲)، نگرش تئوریک به طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران (قاسمی، ۱۳۸۶) باید توجه داشت که همکاری‌های منطقه‌ای زمانی جذاب خواهند بود که اهداف واحدهای منطقه در زمره اهداف مشابه یا مکمل باشند. نکته حائز اهمیت، شناخت اقتصاد ترکمنستان در راستای شناسایی نیازهای این کشور و شناخت قابلیت‌های ایران برای پوشش این نیازها و ردیابی حوزه‌هایی که قابلیت گسترش همکاری در آن‌ها وجود دارد، است. با توجه به مبنا قرار گرفتن نظریه شبکه به‌عنوان بنیان پژوهش حاضر و پیچیدگی و گستردگی خاص این نظریه، تحلیل واقعیت عملی صورت گرفته بر مبنای این نظریه اولویت اصلی نگارش این مقاله است؛ بنابراین، با تمرکز بر متغیر ژئواکونومیک، برای مطالعه دقیق‌تر، از سایر متغیرها و مؤلفه‌ها بنا به محدودیت حوزه بررسی چشم‌پوشی می‌کنیم.

۳. یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل آن

۳-۱. فرصت‌های همکاری ژئواکونومیک ایران و ترکمنستان

همان‌گونه که در بحث نظری به آن اشاره شد، همکاری‌های منطقه‌ای را باید در چهارچوب اهداف مشابه یا مکمل جست‌وجو کرد. بر این مبنا، گام نخست بررسی جایگاه ژئواکونومی ایران و ترکمنستان، شناسایی پتانسیل‌های اقتصادی‌شان در راستای شناخت نیازهای هر دو طرف و ظرفیت‌های پاسخگویی به این نیازها برای یکدیگر است. ترکمنستان به‌عنوان تنها کشور هم‌مرز با ایران در بین کشورهای آسیای مرکزی و نیز به‌عنوان دروازه ورود ایران به کشورهای منطقه و یکی از راه‌های پیش روی کشورهای منطقه برای ارتباط با دنیای خارج است. (کامران، ۱۳۸۸: ۱۷) جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان دارای مرزی مشترک به طول بیش از هزار و ۲۷۰ کیلومتر هستند. (بهمن، ۱۳۸۹: ۳۹) از زمان استقلال کشور ترکمنستان روابط خوبی بین دو کشور برقرار بوده است. همچنین ایران اولین کشوری بود که ترکمنستان را پس از استقلالش به رسمیت شناخت. از آن زمان تاکنون هر دو طرف با برقراری روابطی بسیار خوب، در زمینه‌های اقتصادی، حمل‌ونقل، توسعه زیرساخت‌ها و بخش‌های انرژی به همکاری نزدیک پرداخته‌اند. اراده قوی رؤسای جمهور دو کشور برای بسط و توسعه مناسبات چنان جدی بود که در سال‌های اولیه استقلال، با اعلان مرزهای دو کشور به‌عنوان مرزهای دوستی و برادری، امکان برقراری روابط اجتماعی، تجاری و فرهنگی را فراهم کردند. همچنین با انعقاد قراردادهای مختلف اقتصادی، زمینه سرمایه‌گذاری مشترک، تجارت و بازرگانی را در اولین سال‌های استقلال مهیا کردند.

روابط ایران و ترکمنستان در سال‌های گذشته جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، اجرای پروژه‌های زیربنایی و انتقال تکنولوژی، سرمایه و تجربیات ایران برای فراهم کردن زیرساخت‌های محکم اقتصادی ترکمنستان، محور تلاش‌های ایران بوده است.

برای نمونه در دوران ریاست جمهوری، احمدی‌نژاد در سفری که به ترکمنستان داشت، پایانه مرزی «باج‌گیران» در ۸۲ کیلومتری شهر قوچان را افتتاح کرد. اکنون نیز عزم سیاسی در کشورهای ایران و ترکمنستان بر ارتقای همکاری‌ها در تمام زمینه‌ها از جمله بسط همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی استوار است که حضور رئیس‌جمهور ترکمنستان در مراسم تحلیف دکتر روحانی و انجام اولین ملاقات بعد از پایان مراسم تحلیف با رئیس‌جمهور اسلامی ایران و تأکید روحانی بر ادامه توسعه و گسترش تعاملات همه‌جانبه میان تهران و عشق‌آباد گواه بر گفته‌های فوق است. (خبرگزاری فارس، ۹۲/۸/۴، شماره: ۱۳۹۲۰۸۰۴۰۰۸۷۵)

۳-۱-۱. جایگاه ژئواکونومی ترکمنستان

اهمیت جایگاه ژئواکونومی ترکمنستان بیش از هر عاملی به ذخایر انرژی در این کشور مربوط می‌شود. این کشور در فهرست چهار کشور بزرگ تولیدکننده گاز طبیعی و چهار کشور تولیدکننده قرار دارد. ذخایر گاز طبیعی تقریباً در سراسر خاک کشور پراکنده است. بیشتر ذخایر نفتی کشور در غرب ترکمنستان از جمله در پهنه ساحلی دریای خزر متمرکز شده است. از سوی دیگر ترکمنستان اقتصادی رو به رشد دارد و با توجه به منابع سرشار نفت و گاز و پنبه از طریق سرمایه‌گذاری مشترک، صنایع پایین‌دست را گسترش داده است و جزو معدود کشورهای است که فرآورده‌های نفتی صادر می‌کند. این کشور با فرآوری محصول پنبه و با اتکا به نیروی کار خود صنایع فعال نساجی پیشرفته‌ای دارد که از بازار فروش بالایی در سطح جهان برخوردار است. همچنین با فروش سالانه مقدار زیادی گاز به کشورهای چون اوکراین و روسیه و چند کشور دیگر از جمله ایران، درآمدهای سرشار کسب می‌کند. به دلیل آنکه ترکمنستان یک کشور محاط در خشکی است، برای ترانزیت کالا از خاک کشورهای همسایه استفاده می‌کند، مانند خط آهن ترکمنستان که به شهر سرخس (در شمال خاوری ایران) متصل است و از آنجا تا بندرعباس امتداد دارد.

عدم سرمایه‌گذاری کافی خارجی، چالش‌های جغرافیایی، زیرساخت‌های ناکافی خط لوله صادرات، و یک ساختار اقتصادی بسته، و از عواملی است که این کشور را از تبدیل شدن به یک صادرکننده عمده هیدروکربن بازداشته است. ترکمنستان با وجود دارا بودن بعضی از بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی در جهان، هنوز با چالش‌های بی‌شماری برای عرضه این ذخایر به بازارهای جهانی مواجه است. از نظر جغرافیایی دور از بازارهای نهایی مصرف و فاقد

زیرساخت‌های خط لوله کافی برای صادرات هیدروکربن است. همچنین، دیگر کشورهای آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر، غنی از هیدروکربن با آب‌وهوای مناسب با سرمایه‌گذاری بیشتر و دسترسی به بازار به‌عنوان رقبای مطرح ترکمنستان هستند. این کشور مشتاق است تا با ایجاد تنوع در مسیرهای صادرات منابع نفت و گاز، از داشتن یک خط انتقال انحصاری، یعنی خطوط روسیه، فاصله گرفته و دارای جایگزین‌های دیگری نیز باشد، اما باید سرمایه، کمک‌های فنی و حمایت سیاسی برای خط لوله جایگزین دریافت کنند. (www.eia.gov) ترکمنستان در تلاش برای یافتن مسیرهای انتقال انرژی، علاوه بر مسیر اصلی روسیه، همکاری با کشورهای دیگر را برای ساخت زیرساخت‌های گاز و خطوط لوله پیگیری می‌کند.

نقشه شماره ۱: آسیای مرکزی و خطوط لوله CIS



منبع: www.eia.gov, Iran , International energy data and analysis, 2014/9/12:

در خطوط لوله آسیای مرکزی، سیستم گاز طبیعی گازپروم (Gazprom)، مرکز مسیر کلیدی است که از طریق آن ترکمنستان صادرات گاز خود را به روسیه می‌رساند. خط لوله گاز طبیعی، از شرق ترکمنستان و جنوب ازبکستان به غرب قزاقستان می‌باشد، شاخه غربی خطوط گاز طبیعی ترکمنستان نیز از نزدیکی منطقه دریای خزر در شمال می‌گذرد. این خطوط یک ظرفیت طراحی ترکیبی از ۳۵۳۰ CF/B را دارا هستند. با این حال، به دلیل شرایط فنی ضعیف، ظرفیت واقعی در حدود نیمی از این مقدار است. خطوط انتقال انرژی ترکمنستان از این قرار است:

۱. کورت خط لوله (ترکمنستان به ایران) دولت آباد - خانگیران خط لوله (ترکمنستان به ایران)؛
۲. آسیای مرکزی و چین خط لوله (ترکمنستان به چین)؛
۳. خط لوله بخارا، اورال (از دولت آباد در ترکمنستان از طریق ازبکستان و قزاقستان به روسیه)؛
۴. خط لوله شرق و غرب (لینک ترانزیت بالقوه به اروپا از طریق مسیر در امتداد دریای خزر) خط لوله ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند (دارای چالش‌های لجستیکی و امنیتی)؛
۵. ترانس خزر خط لوله TCGP؛ که

برای دور زدن روسیه و ایران برای حمل گاز ترکمنستان از طریق دریای خزر به آذربایجان و ارتباط با خط لوله در مسیر به اروپا است. (www.eia.gov)

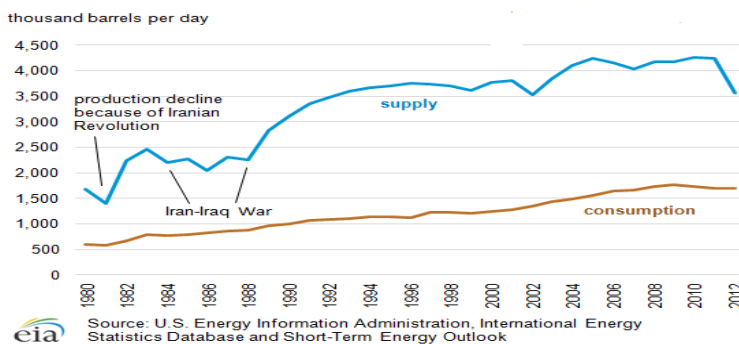
بعد از حدود ۱۵ سال انزوا و تغییر رژیم سیاسی، ترکمنستان روند تجدید روابط دیپلماتیک با چندین کشور را از جمله روسیه، چین، اروپا، ایالات متحده و دیگر همسایگان آسیای مرکزی در سال ۲۰۰۷ آغاز کرد. از آن زمان در ترکمنستان یک محیط کسب و کار شایسته تر ایجاد شده، تلاش برای جذب سرمایه گذاری خارجی برای افزایش تولید نفت و گاز و گسترش یافته و نمونه نتایج این اقدامات در صادرات این کشور قابل مشاهده است. (www.eia.gov)

در مجموع، نکته قابل طرح این است که ایران از کدام یک از پتانسیل های مطرح شده ترکمنستان می تواند در قالب همکاری بهره برداری کند که این امر نیازمند بررسی پتانسیل مکمل توانایی های ایران در کنار نیازهای ترکمنستان خواهد بود.

۲-۳. بررسی جایگاه ژئواکونومیکی ایران

از منظر ژئواکونومی، ایران از دو جهت در کانون توجه قرار گرفته است: ۱. قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهان؛ ۲. موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشورها در امنیت جهانی انرژی. (مختاری هشی، ۱۳۸۷: ۷۶) به گزارش مجله نفت و گاز، تا ژانویه سال ۲۰۱۳، ایران حدود ۱۵۴ میلیارد بشکه ذخایر نفتی اثبات شده، و ۹ درصد از کل ذخایر جهان و بیش از ۱۲ درصد از ذخایر اوپک را داراست. (www.eia.gov)

نمودار ۱: میزان کل عرضه و مصرف نفت ایران ۱۹۸۰-۲۰۱۲



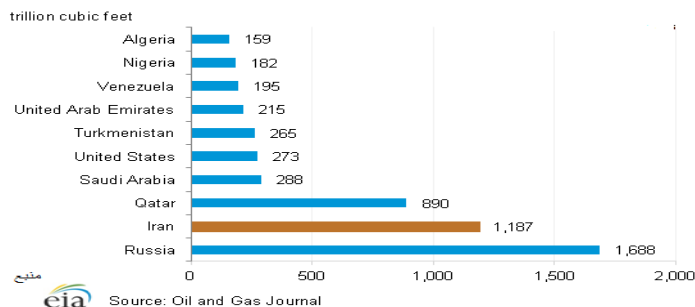
منبع: (www.eia.gov)

در حالی که ایران به عنوان سومین صادرکننده نفت خام، در جهان مطرح بود و بعد از دهه ۱۹۹۰ تولید نفت ایران سیر صعودی خود را طی می کرد (نمودار شماره ۱) اما تحریم های با هدف قرار دادن صادرات نفت کشور، سبب کاهش صادرات به ۱.۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲

شده است. با وجود کاهش چشم‌گیر در صادرات، هنوز در میان ده صادرکنندگان در سال ۲۰۱۲ باقی مانده است.

ایران دارای دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در جهان است، اما اکثریت قریب به اتفاق این ذخایر توسعه نیافته است. به گزارش مجله نفت و گاز، تا ژانویه سال ۲۰۱۳، برآورد ذخایر ثابت گاز طبیعی ایران ۱،۱۸۷ تریلیون فوت مکعب است که بر اساس نمودار شماره ۲، بعد از روسیه در رتبه دوم قرار دارد.

نمودار ۲: بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز طبیعی ۲۰۱۳



منبع: (www.eia.gov)

در نقشه ۲، اطلاعات مفیدی در زمینه میدان‌های گازی و خطوط انتقال آن، به خوبی نشان داده شده است.

نقشه ۲: میدان‌ها و خطوط گازی ایران

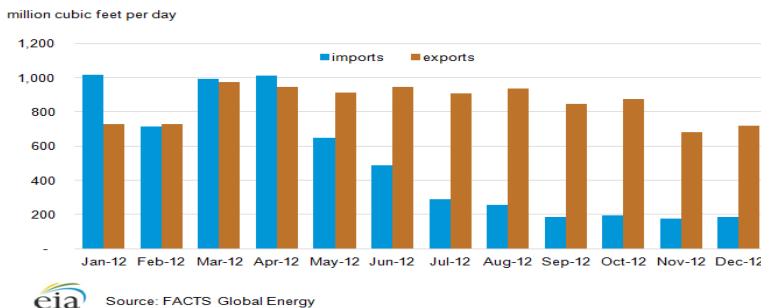


منبع: (www.eia.gov)

همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده، صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه، ارمنستان و آذربایجان و دریافت واردات خط لوله از ترکمنستان و آذربایجان است. (www.eia.gov)

به ذکر است که صادرات و واردات گاز ایران در فصول مختلف دستخوش تغییر می‌شود که بیشتر به علت عرضه و تقاضای داخلی متأثر از تغییرات آب و هوایی ایران است. این امر به‌وضوح در نمودار شماره ۳ قابل مشاهده است.

نمودار ۳: صادرات و واردات گاز ایران ۲۰۱۲



منبع: (www.eia.gov)

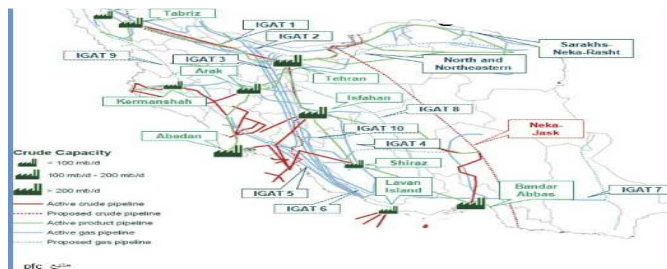
جدول ۱: میانگین صادرات و واردات گاز ایران، ۲۰۱۲ (میلیون فوت مکعب در روز)

کل	ترکمنستان	ترکیه	آذربایجان	ارمنستان	شرکای گازی ایران
۷۷۰	--	۶۷۰	۵۶	۴۴	صادرات گاز
۸۰۵	۷۷۰	--	۳۵	--	واردات گاز

Source: FACTS Global Energy, Iran Oil and Gas Monthly & eia, 2013

شبکه گسترده خطوط داخلی نفت ایران شامل ۱۲ خط لوله است که بین ۶۳ و ۶۳۰ مایل طول دارد. ایران همچنین ظرفیت واردات خود را در دریای خزر (بندر نکا) برای رسیدگی به افزایش محموله‌های محصول روسیه و آذربایجان توسعه داده است. این بندر همچنین قادر به معاوضه نفت خام با ترکمنستان و قزاقستان از طریق سوآپ نفت خام دریای خزر است؛ این نفت در داخل کشور مصرف می‌شود و همان مقدار نفت برای صادرات از طریق خلیج فارس برای هزینه‌های مبادله تولید می‌شود.

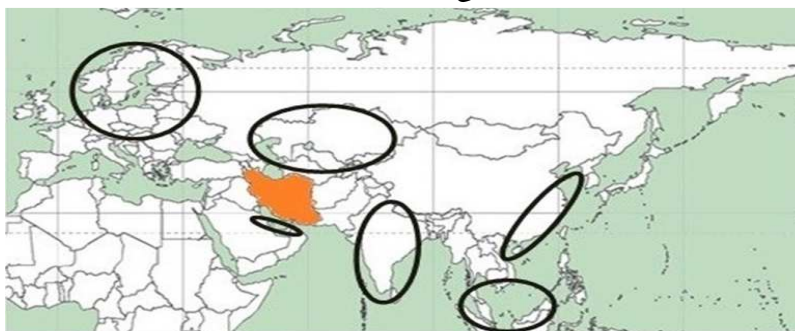
نقشه ۳: زیرساخت‌های نفت و گاز طبیعی ایران



منبع: (www.eia.gov)

از سوی دیگر برخورداری از امنیت و مزیت جغرافیایی از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند به خوبی زمینه‌ساز توسعه ترانزیت در یک کشور باشند. بر همین اساس ایران همواره به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی کوتاه و مناسب مورد توجه صاحبان بار بوده است که جاده ابریشم نمونه بارز آن است. بررسی نقشه مسیرهای دریایی جهان همانند نقشه شماره ۴ و تعداد سفرهای دریایی بین بندرهای مختلف نیز نشان می‌دهد یکی از پرتراکم‌ترین مسیرهای دریایی در جهان برای انتقال کالا بین بازارهای بزرگ در شرق و غرب است. با نگاهی کوتاه به نقشه زیر می‌توان دریافت که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران چه نقشی در این مبادلات می‌تواند داشته باشد. فعال شدن محورهای ترانزیتی در ایران با توجه به اینکه دسترسی سریع به آب‌های آزاد را برای کشورهای حوزه CIS فراهم می‌کند، باعث می‌شود تا بیشترین بار جذب‌شده مربوط به این کشورها باشد.

نقشه ۴: وابستگی منافع اقتصادی کشورها به امنیت ایران



منبع: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، به نقل از مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت

خطوط اصلی ترانزیتی ایران را می‌توان به شرقی - غربی و شمالی - جنوبی تقسیم کرد. مسیرهای شرقی - غربی در امتداد مسیرهایی هستند که شرق و جنوب شرق آسیا را به وسیله حمل‌ونقل زمینی از مسیر ایران به اروپا (نقشه ۵) متصل می‌کنند.

نقشه ۵: اتصال کریدورهای تعریف شده آسیا و اروپا به ایران



منبع: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، به نقل از مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت

از میان انواع شیوه‌های حمل و نقل، حمل و نقل ریلی به علت مزیت‌های برجسته آن همواره مورد توجه بوده است. با توجه به قرار گرفتن چهار بندر مهم در جنوب، همچنین مرزهای شمالی کشور می‌توان مسیرهای زیر را برای کریدورهای شمالی - جنوبی در نظر گرفت که عبارت‌اند از: ۱. محور چابهار - سرخس؛ ۲. محور بندرعباس - اینچه‌برون، امیرآباد، انزلی، آستارا؛ ۳. محور بندر بوشهر - جلفا، رازی.

نقشه ۶: اولویت‌های ترانزیتی ایران

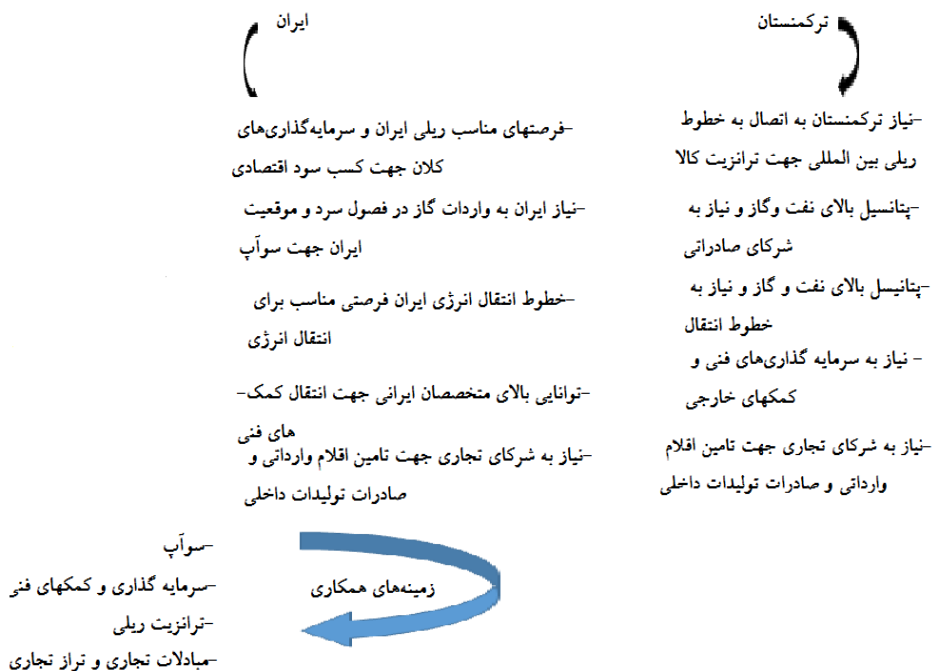


منبع: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، به نقل از مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت

موقعیت جغرافیایی کشور و قرار گرفتن در محل اتصال آسیا و اروپا باعث شده تا بارهایی که به موازات مسیرهای دریایی از شرق به غرب آسیا در حال عبور هستند، قابلیت عبور از ایران را داشته باشند. علاوه بر این، تبادل قابل توجه بار بین همسایگان شرقی و غربی کشور به ویژه ترانزیت سوخت ضرورت تدارک زیرساخت‌های ترانزیتی بار را در مسیرهای شرقی - غربی به وضوح نشان می‌دهد. مهم‌ترین مسیر ترانزیتی کشور در جهت شرق به غرب مرزهای سرخس

و بازرگان است که ترانزیت بار ترکیه را به کشورهای حوزه CIS عملی می‌کند. علاوه بر این، شاخه جنوبی شبکه ریلی آسیا که کشورهای جنوب شرق آسیا را به اروپا متصل می‌کند از مرزهای جنوب شرقی کشور وارد ایران شده و از مرزهای شمال غربی خارج می‌شود. شاخه جنوبی شبکه ریلی آسیا که کشورهای جنوبی آسیا را از طریق ایران به اروپا متصل می‌کند به این دلیل که بخش فراوانی از آن با مسیر کریدور شمال - جنوب یکسان است، برای انتقال بار میان جنوب آسیا و اروپا مناسب است، اما قدمت بسیار بالای زیرساخت ریلی موجود در این مسیر به‌ویژه در پاکستان و روابط نامناسب دیپلماتیک بین هند و پاکستان باعث شده‌اند تا باری از این مسیر جابه‌جا نشود.

بررسی فرصت‌های همکاری ژئواکونومیک ایران و ترکمنستان (بر مبنای اصل هم‌تکمیلی: اقتصاد مشابه و مکمل طرفین)



۳-۳. ارزیابی متغیر حجم مبادلات اقتصادی و موازنه تجاری

ارزیابی حجم مبادلات اقتصادی و بررسی شاخص موازنه تجاری کشورها، معیار خوبی برای سنجش میزان همکاری کشورها است. قرار گرفتن کشورها در شمار شرکای اصلی تجاری یکدیگر نشان از شناخت نیازهای متقابل و توانایی پاسخ‌گویی به آن‌هاست. بررسی مبادلات

اقتصادی ایران با ترکمنستان نشان می‌دهد: عمده صادرات ترکمنستان به ایران، گاز، برق و برخی محصولات کشاورزی است و ایران نیز به آن کشور مواد غذایی، مصالح ساختمانی، لوازم خانگی و محصولات فلزی صادر می‌کند. باین حال اگر پتانسیل‌های موجود در دو کشور را در نظر بگیریم پیشرفت‌های به دست آمده به هیچ وجه راضی کننده نیست، زیرا چندین برابر امکانات مناسب برای توسعه روابط دو کشور در کلیه زمینه‌ها موجود است. با توجه به آمار در سال ۱۳۹۳، ارزش کل صادرات ایران به ترکمنستان ۹۷۳،۸۴۲،۱۶۳ دلار بوده که به نسبت رقم کل ارزش صادراتی ایران به جهان که ۳۵،۴۷۰،۴۵۹،۴۶۶ است، رقم بسیار ناچیزی است و از سوی دیگر در همین سال، این وضعیت در مورد واردات نیز صادق است، به طوری که از کل واردات ایران از جهان که ۵۱،۰۱۳،۷۲۷،۷۶۴ دلار بوده، تنها ۱۰۱،۳۸۷،۷۸۵ دلار آن به ترکمنستان تعلق دارد. (اتاق بازرگانی صنایع معادن کشاورزی تهران) برخلاف اهداف طرح-ریزی شده اقتصادی ایران در این منطقه، ما نه تنها شاهد حجم نسبتاً پایین صادرات و واردات از منطقه هستیم، بلکه مشاهده می‌کنیم ایران و ترکمنستان از شرکای اصلی یکدیگر در هیچ یک از زمینه‌های واردات و صادرات برای یکدیگر نیستند. (جدول شماره ۲ و ۳)

جدول ۲: مقایسه صادرات واردات ایران و ترکمنستان در سال ۱۳۹۳ (به دلار)

صادرات ایران به جهان	صادرات ایران به ترکمنستان	واردات ایران از جهان	واردات ایران از ترکمنستان
۳۵۴۷۰۴۵۹۴۶۶	۹۷۳۸۴۲۱۶۳	۵۱۰۱۳۷۲۷۷۶۴	۱۰۱۳۸۷۷۸۵

منبع: اتاق بازرگانی صنایع معادن کشاورزی تهران (<http://www.tccim.ir>)

جدول ۳: شرکای اول واردات و صادرات کشورهای ایران و ترکمنستان در سال ۲۰۱۴ میلادی

ایران	ترکمنستان	شرکای واردات	شرکای صادراتی	جمعیت
ایران	ترکمنستان	امارات، چین، ترکیه، کره جنوبی	چین، هند، ترکیه، کره جنوبی، ژاپن	۸۰۸۴۸۳۱۷
		چین، ترکیه، روسیه، امارات	چین، ایتالیا	۵۱۷۱۹۴۳

SOURCE: CIA World Factbook , 2014

۳-۴. همکاری‌هایی فنی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک

وزارتخانه‌ها و شرکت‌های ایرانی در طول سال‌های پس از استقلال، پروژه‌های مفیدی مانند احداث کارخانه فیبر نوری و تصفیه‌خانه مرو، پروژه تولید بنزین در پالایشگاه ترکمن‌باشی، اجرای سیلوهای فلزی در استان‌های مختلف ترکمنستان و اجرای سد مشترک دوستی بر رودخانه تجن و پروژه‌های جاده‌سازی، احداث دو خط لوله گاز را عملی کرده‌اند.

بر اساس آمارهای موجود، بیش از ۱۲۰ شرکت ایرانی در ترکمنستان فعال هستند و تاکنون طرح‌های موفقی را از جمله اجرای طرح فیبر نوری ترکمنستان و متصل کردن این کشور به شاهراه‌های ارتباطی تلفن و مخابرات توسط شرکت‌های ایرانی به اجرا درآمده همین عملکرد خوب موجب شده است. (همشهری آنلاین، ۲۸/۳/۱۳۸۶، کد مطلب: ۲۴۵۴۳)

علاوه بر تکنولوژی ارتباطات ایران و ترکمنستان در زمینه انرژی به‌ویژه گاز با یکدیگر همکاری نزدیکی دارند، به طوری که چندین طرح مشترک خرید و صادرات گاز بین دو کشور اجرا شده است. در مورد برق نیز بر اساس توافقنامه‌های موجود این امکان از زمانی فراهم شد که ایران توانست شبکه برق ترکمنستان را با موفقیت به ایران وصل کند. در مورد صنایع مکمل تولید برق از جمله سدسازی نیز مورد توجه قرار دارد، به طوری که سد دوستی با همکاری مشترک شرکت‌های ایرانی و ترکمنی ساخته شد. در زمینه بازرگانی، اعطای اعتبارات، کاهش معضلات و موانع گمرکی، گشایش یک شعبه بانکی ایرانی در عشق‌آباد، برگزاری نمایشگاه‌های اختصاصی تجاری، افتتاح فروشگاه‌های عرضه محصولات و احداث بازارچه‌های مرزی مشترک را می‌توان نام برد. (خبرگزاری فارس، ۹۲/۰۸/۰۴، شماره: ۱۳۹۲۰۸۰۴۰۰۰۸۷۵) در شرایط کنونی بخشی از واردات ترکمنستان از طریق جمهوری اسلامی ایران یا به صورت ترانزیت از خاک ایران منتقل می‌شود که این اقلام از مصالح ساختمانی گرفته تا مواد غذایی را شامل می‌شود.

در مقوله نفت و گاز بیشترین مشارکت عملی مشاهده می‌شود. سفر خاتمی در سال ۱۳۷۶ به ترکمنستان و افتتاح خط لوله گاز ایران ترکمنستان در نقطه کُرپچه به کردکوی متعاقب امضای قراردادهای مهم ایران - ترکمنستان برای انتقال گاز و اکتشاف نفت، صفحه جدیدی از روابط دو کشور را به نمایش گذاشت. (خبرگزاری فارس، ۹۲/۰۸/۰۴، شماره: ۱۳۹۲۰۸۰۴۰۰۰۸۷۵)

در راستای همکاری‌های این دو کشور می‌توان به برخی پروژه‌های مشترک ایران - ترکمنستان نیز اشاره کرد؛ انجام پروژه‌های خط آهن تاجان - مشهد - سرخس، خط لوله گاز ۱۳۹ میلیون دلاری کُرپچه - کردکوی در غرب ترکمنستان و سد دوستی در جنوب ترکمنستان با هزینه‌ای حدود ۱۶۹ میلیون دلار با سرمایه‌گذاری مشترک ایران و ترکمنستان محقق شده است. خط انتقال برق علی‌آباد - بالکان آباد و پروژه‌هایی دیگر همچون برنامه توسعه ارتباطات فیبر نوری، ساخت مخازن نفت در مرو و یک پالایشگاه در ترکمنباشی، احداث ترمینال‌های گاز مایع و

بزرگراه چند نمونه از روابط دوجانبه در حال گسترش میان این دو کشور به حساب می‌آید. از سال ۲۰۰۹ میلادی، با کمک جمهوری اسلامی ایران، حدود یک‌صد پروژه صنعتی در ترکمنستان اجرا شده یا در حال انجام است. (باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۳/۱/۲۳، کد خبر: ۴۸۰۰۸۶۳)

خط آهن قزاقستان - ترکمنستان - ایران بخشی از کریدور حمل‌ونقل شمال به جنوب است. این خط آهن ارتباطی ۹۲۰ کیلومتری که در تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۹۳ و با حضور رؤسای جمهور سه کشور افتتاح شد، اوزن در قزاقستان را به برکت - اترک در ترکمنستان متصل کرده، در گرگان مرکز استان گلستان به پایان می‌رسد، اما این خط آهن در ایران با اتصال به شبکه ملی راه خود را تا بندرهای خلیج فارس ادامه می‌دهد. امضای سند همکاری در زمینه احداث خط راه آهن میان ایران، ترکمنستان و قزاقستان نشانه آشکاری از جدیت جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان برای گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف است.

۳-۵. سوآپ انرژی

در دهه ۱۹۹۰ پس از فروپاشی شوروی سابق و استقلال یافتن کشورهای آسیایی مرکزی، مبادله نفت با ایران اهمیت پیدا کرد. این کشورها برای توسعه اقتصادی خود به صادرات نفت خود نیاز مبرم داشتند، در صورتی که امکانات آنان برای رساندن نفت خود به دست مصرف‌کنندگان در اروپا، آسیا و آمریکا بسیار محدود بود. بدین منظور در سال ۱۳۷۵ قراردادی بین ایران و قزاقستان به امضا رسید. از این رو ایران می‌تواند در انتقال این منابع سهمی داشته باشد. راه‌های جایگزین که به لحاظ اقتصادی با صرفه هستند به دلیل مشکلات پیچیده سیاسی با موانعی برخورد می‌کنند. در روش سوآپ، تولیدکنندگان نفت در دریای خزر، نفت صادراتی خود را با تانکر به بندر نکا در ایران تحویل می‌دهند، سپس ایران این نفت را به پالایشگاه‌های تهران و تبریز انتقال می‌دهد که نفت پالایش شده برای مصرف داخلی توزیع می‌شود. در ازای نفت دریافت شده در نکا، ایران معادل آن را در جزیره خارک واقع در خلیج فارس به سایر کشورها صادر می‌کند. صنعت نفت و گاز ترکمنستان در واقع از مهم‌ترین ارکان اقتصاد ملی و منبع درآمد ارزی این کشور است. حجم مبادلات کالا بین ایران ترکمنستان سالانه پنج میلیارد دلار برآورد می‌شود که تراز مثبت آن به نفع کشور ترکمنستان بوده و قسمت عمده آن را معاملات خرید و فروش گاز تشکیل می‌دهد. (www.eia.gov)

سوآپ راهی برای کسب درآمد برای کشور است و با توجه به اینکه برخی کشورهای همسایه ما در شمال ایران دارای منابع هیدروکربنی هستند؛ برای انتقال این منابع به نقاط دیگر دنیا نیازمند دسترسی به مسیر دریایی هستند که این مسیر برای آن‌ها از طریق ایران قابل دسترسی است و همین امر درآمد ایران از طریق سوآپ را ممکن می‌کند. آثار دیپلماتیک سوآپ در کنار

منافع اقتصادی آن قرار دارد، سوآپ ارتباط میان کشورهای فعال در این دادوستد را نزدیک‌تر می‌کند و تأثیر بسزایی در ایجاد روابط استراتژیک کشور ما با همسایگانش دارد، همچنین ایران در این صورت می‌تواند به دلیل فراهم کردن یک راه ترانزیت نیز درآمد داشته باشد. ایران به لحاظ اینکه دارای یک شبکه انتقال وسیع نفت در سراسر سرزمین خود است، می‌تواند با استفاده از آن‌ها برای راه‌های جایگزین، خیلی زود و با سرمایه‌گذاری کمتری نسبت به گزینه‌های دیگر انتقال انرژی خزر، مسیرهایی را برای رساندن نفت و گاز خزر به بازارهای مصرف جهان تأمین کند، آن‌هم به‌ویژه برای بازارهای وسیع در حال گسترش جنوب شرق آسیا مثل چین و ژاپن.

اما از سوی دیگر، ایران برای رسیدن به منافع خود از بابت انتقال منابع انرژی خزر به بازارهای جهانی با برخی مشکلات و موانع منطقه‌ای روبرو است که این موانع عبارت‌اند از: ضعف و بی‌ثباتی سیاسی - اقتصادی و عدم استقلال کشورهای انرژی‌خیز منطقه در تصمیم‌گیری‌های خود، سیاست‌های ضدایرانی آمریکا و اسرائیل، رقابت جدی ترکیه و روسیه با ایران در تسلط بر مسیرهای صدور انرژی منطقه و درنهایت ضعف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با چالش‌های مذکور. بنابراین پتانسیل‌های یادشده در صورت رفع موانع موجود به واسطه درآمدزایی و اهمیت‌بخشی به موقعیت ژئوپلیتیک ایران می‌تواند به اقتصاد ایران کمک نماید. این‌ها علاوه بر درآمدهای مستقیمی است که از انتقال نفت و گاز خزر می‌تواند به دست آورد.

موانع و مشکلات سوآپ با ترکمنستان برای ایران	مزایای سوآپ با ترکمنستان برای ایران
<p>اما از سوی دیگر، ایران برای رسیدن به منافع خود از بابت انتقال منابع انرژی خزر به بازارهای جهانی با برخی مشکلات و موانع منطقه‌ای روبرو است که این موانع عبارت‌اند از:</p> <p>ضعف و بی‌ثباتی سیاسی - اقتصادی و عدم استقلال کشورهای انرژی‌خیز منطقه در تصمیم‌گیری‌های خود.</p> <p>سیاست‌های ضدایرانی آمریکا و اسرائیل، رقابت جدی ترکیه و روسیه با ایران در تسلط بر مسیرهای صدور انرژی منطقه و</p>	<p>سوآپ راهی برای کسب درآمد برای کشور است و با توجه به اینکه برخی کشورهای همسایه ما در شمال ایران دارای منابع هیدروکربنی هستند؛ برای انتقال این منابع به نقاط دیگر دنیا نیازمند دسترسی به مسیر دریایی هستند که این مسیر برای آن‌ها از طریق ایران قابل دسترسی است و همین امر درآمد ایران از طریق سوآپ را ممکن می‌کند.</p> <p>آثار دیپلماتیک سوآپ در کنار منافع اقتصادی آن قرار دارد، سوآپ ارتباط میان کشورهای فعال در این دادوستد را نزدیک‌تر می‌کند و تأثیر بسزایی در ایجاد روابط استراتژیک کشور ما با همسایگانش دارد،</p>

<p>در نهایت ضعف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با چالش‌های مذکور.</p> <p>بنابراین پتانسیل‌های یادشده در صورت رفع موانع موجود به واسطه درآمدزایی و اهمیت‌بخشی به موقعیت ژئوپلیتیک ایران می‌تواند به اقتصاد ایران کمک نماید. این‌ها علاوه بر درآمدهایی است که به صورت مستقیم از انتقال نفت و گاز خزر می‌تواند به دست آورد.</p>	<p>همچنین ایران در این صورت می‌تواند به دلیل فراهم کردن یک راه ترانزیت نیز درآمد داشته باشد، ایران به لحاظ اینکه دارای یک شبکه انتقال وسیع نفت در سراسر سرزمین خود است، می‌تواند با استفاده از آن‌ها برای راه‌های جایگزین، خیلی زود و با سرمایه‌گذاری کمتری نسبت به گزینه‌های دیگر انتقال انرژی خزر، مسیرهایی را برای رساندن نفت و گاز خزر به بازارهای مصرف جهان تأمین کند، آن‌هم به‌ویژه برای بازارهای وسیع در حال گسترش جنوب شرق آسیا مثل چین و ژاپن.</p>
---	---

۳-۵-۱. ارزیابی وضعیت‌های موجود سوآپ و انتقال انرژی

در کنار دستاوردهای اقتصادی سوآپ فرآورده‌های نفتی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های توسعه این تجارت بین‌المللی سوخت، استفاده از مزیت موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دروازه طلایی انتقال، سوآپ ترانزیت حامل‌های مختلف انرژی در منطقه حوزه آسیای مرکزی و خاورمیانه بوده است.

بر این اساس در برنامه سوم و چهارم توسعه، حجم سوآپ فرآورده‌های نفتی کشور به‌ویژه نفت کوره و گاز مایع در سطح بالایی انجام می‌شد، اما از ابتدای آغاز فعالیت دولت دهم تاکنون به دلیل اجرای سیاست‌های پرنوسان توسعه این تجارت نفتی کشور مختل شده است. در سال‌های اخیر با اجرای سیاست‌هایی میزان حجم سوآپ فرآورده‌های نفتی ایران به کم‌ترین میزان رسیده و حتی برخی از کشورهای حاشیه دریای خزر با دور زدن ایران، محصولات نفتی خود را از سایر مسیرها به بازارهای بین‌المللی عرضه کرده‌اند. این در حالی است که در شرایط فعلی با ایجاد زیرساخت‌هایی در پایانه‌های نفتی شمال کشور و توسعه خطوط لوله، ظرفیتی برای سوآپ روزانه حدود ۶ میلیون لیتر انواع فرآورده‌های نفتی ایجاد شده است.

با وجود تأکید وزیر نفت و سیاست جدید ایران برای ادامه سوآپ نفت خام، قطع ناگهانی سوآپ در دوران گذشته شرایط را به گونه‌ای ایجاد کرده است که انگار دیگر کشورهای حاشیه خزر رغبت چندانی برای معاوضه نفت خام خود با ایران ندارند. (البته پیش‌ازین، بعد از فوت نیازف در سال ۲۰۰۶، ترکمنستان اقدام به توقف صادرات گاز خود به ایران کرد و سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نیز به علت اختلاف قیمت به صورت یک‌جانبه به قطع گاز اقدام نمود.) (هانتز، ۱۳۹۲:۳۲۹) از مرداد ۱۳۸۹ عملیات سوآپ خام از مسیر ایران به دلیل اینکه وزیر نفت وقت

معتقد بود سوآپ نفت خام، کشور را به واردکننده نفت خام تبدیل کرده است، متوقف شد. این در حالی بود که با توجه به تحریم‌های اعمال‌شده علیه صنعت نفت کشور طرح تجارت نفت می‌توانست نقش بسیار مهمی را در کاهش تأثیر محدودیت‌های صورت گرفته علیه ایران داشته باشد. هم‌اکنون چند سال از توقف سوآپ نفت خام می‌گذرد، اما با توجه به تلاش‌های گروه مذاکره‌کننده، این کشورها تمایلی برای همکاری دوباره با ایران ندارند. از سوی دیگر، در زمانی که ایران بازار خود را تقدیم رقیبان خود می‌کرد گزینه‌های دیگری برای انتقال نفت منطقه آسیای مرکزی به بازارهای جهان نقش پررنگ‌تری یافت، خطوط لوله BTC و CPC. با وجود اینکه از نظر کارشناسان اقتصادی نیست، اما به دلیل استراتژیک توانست موقعیت نسبتاً مهمی را در دیپلماسی خطوط لوله نفت و گاز نصیب خود کند. (ایسنا، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۹۲، کد خبر: ۹۲۱۰۱۷۰۹۳۳۵)

۳-۶. وضعیت کنونی ترانزیت ریلی محورهای ترانزیت بار از ایران

بر اساس آمار ارائه‌شده در سال‌نامه آماری سال ۱۳۹۰ سازمان راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای میزان بار ترانزیتی کشور ده میلیون و یکصد و سی هزار تن بوده است که راه‌آهن با حمل ۸۸۵ هزار تن بار، سهمی کمتر از ۹ درصد به خود اختصاص داده است. در این گزارش، پایانه‌های مرزی که عملکرد ورود یا خروج بار ترانزیتی آن‌ها بیش از این مقدار بوده است مورد بررسی قرار می‌گیرند. عملکرد ترانزیتی این پایانه‌ها در جدول ۴ ارائه شده است. تفکیک این ارقام به صورت مبدأ - مقصد بر روی نقشه در شکل زیر نشان داده شده است. بررسی آمار ترانزیت ریلی نیز نشان می‌دهد تنها مسیر ترانزیت ریلی فعال کشور مسیر سرخس - بندرعباس است که بار کشورهای حوزه CIS را به آب‌های آزاد منتقل می‌کند.

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
مرکز خروج مرز ورود	لطف آباد	سرخس	پرویزخان	پیلهسوار	بندرجباس	بندر انزلی	بندر امام ضمینی	بازرگان
امام بندر ضمینی	۰	۲۳۳۱۷	۱۸۱۳۸۳۷	۰	۵۵۷۰	۰	۰	۴۱۵
بندرجباس	۱۰۵۴۸	۵۷۴۸۶۷	۸۰۸۶	۹۸۰	۰	۴۵۸	۰	۱۵۹۲
جلفا	۴۵۸	۱۳۲۳	۰	۲۳۴۹۵	۳۶۴۴۵	۱۱۱	۰	۱۷۰۸۶
دوغارون	۰	۲۷۷	۱۹۰۵	۰	۹۴۵۵۰۲	۲۴۶۶	۰	۹۶۲۵۹
سرخس	۰	۰	۰	۰	۵۷۰۳۲۳	۳۲۵۶۱	۸۸	۱۵۰۳۹
لطف آباد	۰	۰	۰	۰	۱۵۱۰۴۳	۱۷۵۱	۰	۵۰۲۸۵۹
آستارا	۲۹۹۷	۷۶۶	۰	۰	۴۷۲۰۰۶	۴۸	۰	۳۷۵۹۸
پنججه برون	۰	۰	۰	۰	۱۸۴۶۴۳	۰	۰	۲۱۹۰۵۰
بازرگان	۰	۲۰	۰	۹	۲۱۷۴۰۲	۰	۴۶	۱۳۳۲۵
باجگیران	۳۰۳۰۰	۲۰۶۴	۰	۵۵۴	۴۲۲۰۱	۶۵۹	۰	۶۲۷
باشماق	۴۷۶۷	۴۴۷۹	۰	۸۱۳۱	۵۷۴۸۹۳	۲۵۳۳۶۶	۶۸	۱۹۹۱۴

جدول ۴: عملکرد ترانزیتی پایانه‌های بار ایران ۱۳۹۰

منبع: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، به نقل از مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت

همان‌گونه که در بحث پتانسیل ترانزیت ریلی ایران مطرح شد، فعال شدن محورهای ترانزیتی در ایران با توجه به اینکه دسترسی سریع به آب‌های آزاد را برای کشورهای حوزه CIS فراهم می‌کند، باعث می‌شود تا بیشترین بار جذب‌شده مربوط به این کشورها باشد. در همین راستا و با توجه به روابط رو به گسترش اقتصادی و رشد روزافزون تقاضا برای حمل بار از طریق راه‌آهن و ضرورت توسعه همکاری‌ها در زمینه حمل‌ونقل ریلی به‌ویژه افزایش حجم حمل‌ونقل ترانزیت بار در مسیر ازبکستان - ترکمنستان - ایران، به‌خصوص شرایط تعرفه‌ای برای ترانزیت پنبه ازبکستان، مذاکراتی میان هیئت‌های ۳ کشور به ریاست مدیران راه‌آهن ۳ کشور برگزار شد. به دنبال برگزاری اجلاس سه‌جانبه راه‌آهن‌های ایران، ازبکستان و ترکمنستان توافق‌نامه سه‌جانبه‌ای برای رشد و شکوفایی صنعت حمل‌ونقل ریلی، استفاده بهینه از ظرفیت‌های ریلی و ترانزیتی میان ۳ کشور به امضا رسید. (ایراس، ۹۳/۲/۸، کد خبر: ۲۶۵۶۷) گرچه این توافق به علت وجود موانعی چون اختلاف در تعیین تعرفه واحد ترانزیتی با مشکلاتی در مرحله اجرا روبه‌رو بود، اما با وجود این، در نیمه دوم سال ۱۳۹۳ مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

در حال حاضر عزم سیاسی در دو کشور ایران و ترکمنستان بر ارتقای همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. شاهد حضور رئیس‌جمهور ترکمنستان در مراسم تحلیف دکتر روحانی در ایران بوده‌ایم، همچنین برگزاری کمیسیون مشترک اقتصادی بین ایران و ترکمنستان و بررسی فرصت‌ها در زمینه گسترش روابط اقتصادی، همچنین سفر رئیس مجلس شورای اسلامی آقای لاریجانی به این کشور، همگی نشان‌دهنده عزم سیاسی برای گسترش روابط است، ولی در این راستا فقط اراده و عزم رهبران کافی نیست، زیرا باید این طرح‌ها و پیشنهادها از سوی هر دو کشور جنبه عملی به خود بگیرد و بالفعل شود و چالش‌های موجود را برطرف کنند. (صاحب نیوز، ۹۳/۳/۱۸، کد خبر: ۹۸۹۳۷)

۳-۴. چالش‌های همکاری ایران و ترکمنستان

سیاست خارجی ترکمنستان از بدو استقلال این کشور بر اساس استراتژی بی‌طرفی و دوری از منازعات و اختلافات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استوار بوده است. این کشور در سال ۱۹۹۵ توسط سازمان ملل به‌عنوان کشور بی‌طرف مورد شناسایی قرار گرفت. اعلام ترکمنستان به‌عنوان کشور بی‌طرف و پایبندی رئیس‌جمهور سابق ترکمنستان صفر مراد نیازاف به این سیاست باعث شد که در آن دوره مناسبات ایران و ترکمنستان کمترین تأثیر را از فضاسازی‌های غربی‌ها شاهد باشد، اما در چند ساله اخیر و در دوره ریاست چند ساله قربان قلی بردی محمداف در ترکمنستان به نظر می‌رسد علی‌رغم اینکه به‌طور رسمی تغییر خاصی در استراتژی بی‌طرفی این کشور ایجاد نشده است، اما ترکمنستان گام‌های مشهود و معناداری را به سمت نزدیکی به غرب

و سیاست‌های آن‌ها در پیش گرفته است. این تغییر سیاست بر مناسبات ایران و ترکمنستان نیز تأثیر گذاشته و باعث احتیاط معنادار مقامات عشق‌آباد در برخی از حوزه‌ها شده است.

۳-۴-۱. چالشگری قدرت‌ها و رقابت‌های پیرامون آسیای مرکزی

با توجه به این نکته که آسیای مرکزی و قفقاز از حلقه‌های مهم شبکه منطقه‌ای محسوب می‌شوند، سیستم تابعه آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل نوظهور بودن و خلأ سیستم‌های درونی آن، همراه با ناکارایی‌های درونی زمینه را برای نقش‌یابی قدرت‌های پیرامونی و مداخله‌گر فراهم سازد. نقش‌یابی‌های ایران، همراه با تعرض ایران و آمریکا از یک سو و زمینه‌های پیوند بین سیستم تابعه و مرکز سیستم بین‌الملل، زمینه را برای شکل بخشیدن به سیستم کنترل منطقه‌ای مورد حمایت آمریکا مانند اسرائیل فراهم می‌سازد. واحدهای منطقه‌ای مانند ترکیه نیز نقش مهمی در چنین سیستمی اعمال می‌کنند. (قاسمی، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۵) اگر بپذیریم که اصطلاح بازی بزرگ همچنان برای فهم تحولات منطقه مناسب است، باید بگوییم این بازی بزرگ عمدتاً میان روسیه، ایران، ترکیه، آمریکا و غرب، چین و برخی کشورهای دیگر و همچنین شرکت‌های چندملیتی در این منطقه در جریان بوده است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۶۵) بنابراین، با آزاد شدن فضای آسیای مرکزی ناشی از استقلال بسیاری از قدرت‌های برون‌منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فرصت را برای نقش‌آفرینی برتر در این حوزه غنیمت شمردند و درصدد پر کردن خلأ ایجادشده برآمدند، اما در این میان نقش قدرت‌های بزرگ آمریکا، روسیه و چین حائز اهمیت است؛ بنابراین، آسیای مرکزی و قفقاز عرصه رقابت قدرت‌ها شد. یکی از عواملی که به صورت بارز بر روند همگرایی منطقه‌ای و توسعه مناسبات کشورهای منطقه آسیای مرکزی با کشورهای همسایه از جمله ایران در روابط دوجانبه و نیز در چهارچوب سازمان‌های منطقه‌ای مانند آکو تأثیر منفی بر جای گذاشته است، رقابت‌ها و اختلافات کشورهای آسیای مرکزی با یکدیگر است.

باید توجه داشت که دولت‌های آسیای مرکزی (از جمله ترکمنستان) طبق مدل خاص تمامی دولت‌های کوچک و نوظهور پسااستعماری عمل کرده‌اند. بر اساس این مدل، کشورهای یادشده به جای آنکه اجازه دهند کشور خاصی بر سیاست خارجی آن‌ها اثر بگذارد، با دولت‌های متعددی مناسبات سیاسی برقرار کرده‌اند تا در نتیجه حداکثر منافعی را تأمین شود. (Policy challenges for us, 1992)

الف) رقابت قدرت‌های بزرگ
<p>امریکا: سیاست خارجی امریکا به‌ویژه در زمینه انرژی در چهارچوب انتخاب یک استراتژی بزرگ از میان «هژمونیسیم جهانی» و «رنالیسم مشارکتی» است. دومین گزینه مناسب‌تر و متریقی‌تر است در پرداختن به یکسری بحران‌های سیستماتیک جهانی. انگیزه‌ها برای حضور در منطقه: جلوگیری از رشد بنیادگرایی؛ مقابله با نفوذ ایران؛ مهار و تضعیف روسیه؛ کنترل چین در منطقه؛ دستیابی به منابع انرژی دریای خزر (شکم نرم اوراسیا)؛ تقویت حضور و نفوذ اسرائیل در آسیای مرکزی؛ تلاش برای ارائه الگوی ترکیه برای کشورهای منطقه؛ منافع راهبردی — نظامی ایالات‌متحده در اوراسیای مرکزی.</p>
<p>روسیه: ایفای نقش دیرینه برادر بزرگ‌تر برای اقوام اسلاو و روس، متصور بودن حق ویژه‌ای برای خود در منطقه. تأثیر سیاست خارجی ایران در طی ۱۷ سال گذشته در منطقه از روسیه به گونه‌ای بوده است که بنا به گفته دکتر ولایتی، سیاست خارجی ایران برای ورود به منطقه آسیای مرکزی، همواره از دروازه روسیه عبور می‌کرد.</p>
<p>جمهوری خلق چین: گسترش روابط دوجانبه و چندجانبه با منطقه بالأخص در چهارچوب سازمان همکاری. منافع اصلی چین در این منطقه: ۱. بهره‌برداری از ذخایر انرژی - جلوگیری از حضور بیشتر ناتو؛ ۲. کاهش وابستگی منطقه به روسیه؛ ۳. تحقق وحدت اقتصادی منطقه؛ ۴. جلوگیری از گسترش بنیادگرایی اسلامی منطقه با توجه به آسیب‌پذیری استان‌های شمال غربی خود؛ ۵. کسب برتری در بازی بزرگ جدید.</p>

ب) سایر قدرت‌ها
<p>اتحادیه اروپا: یکی از مهم‌ترین دلایل حضور اروپایی‌ها نیاز روزافزون قاره اروپا به انرژی، به‌ویژه گاز مصرفی است. در پی تنوع‌بخشی به منابع تأمین انرژی هستند. برای مقابله بهره‌گیری کرملین از انرژی به‌عنوان اهرم فشار: فرصت مناسبی برای ایران.</p>
<p>ترکیه: اتحاد کشورهای ترک‌زبان در سایه تفکر پان‌ترکیسم، حضور ترکیه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، به‌ویژه فرهنگی و زبانی، چالشی جدی برای سیاست ایران در منطقه.</p>
<p>پاکستان و عربستان: عمدتاً اهداف ایدئولوژیک در این منطقه با حمایت مالی عربستان سعودی در کنار حمایت لجستیکی و آموزشی پاکستان از گروه‌های وهابی و بنیادگرا به قصد گسترش این اندیشه در آسیای مرکزی و تحت فشار قرار دادن ایران صورت می‌گیرد که چالشی دیگر برای سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود.</p>

اسرائیل: برقراری پیوندهای اقتصادی، به‌ویژه انرژی، همکاری‌های نظامی. می‌توان در راستای دکترین بن‌گورین، سیاست اتحاد با پیرامون برای شکستن حلقه محاصره کشورهای مخالف اسرائیل در منطقه، حمایت از یهودیان ساکن منطقه، جلب همکاری و حمایت کشورهای منطقه در مجامع بین‌المللی، واگرایی در روابط کشورهای حوزه آسیای مرکزی با ایران و نیز اعمال فشار بر محیط پیرامونی و امنیت ملی ایران تفسیر کرد.

در مجموع، آنچه از حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، متوجه ایران است را باید تلاش این قدرت‌ها برای اعمال فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به ایران برای بازداشتن از پرداختن به بازسازی پیوندهای فرهنگی و اقتصادی و پر کردن خلأ قدرت در منطقه آسیای مرکزی دانست؛ امری که هوشیاری و برنامه‌ریزی مناسب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌طلبد. در واقع موضوع اصلی اینجا همچنان سایه رقابت‌های استراتژیک بوده و اصول ژئواکونومی بر این رقابت‌ها حکمرانی نمی‌کند. یکی از شاخص‌های واضح در این امر مسائل پیرامون دریای خزر است.

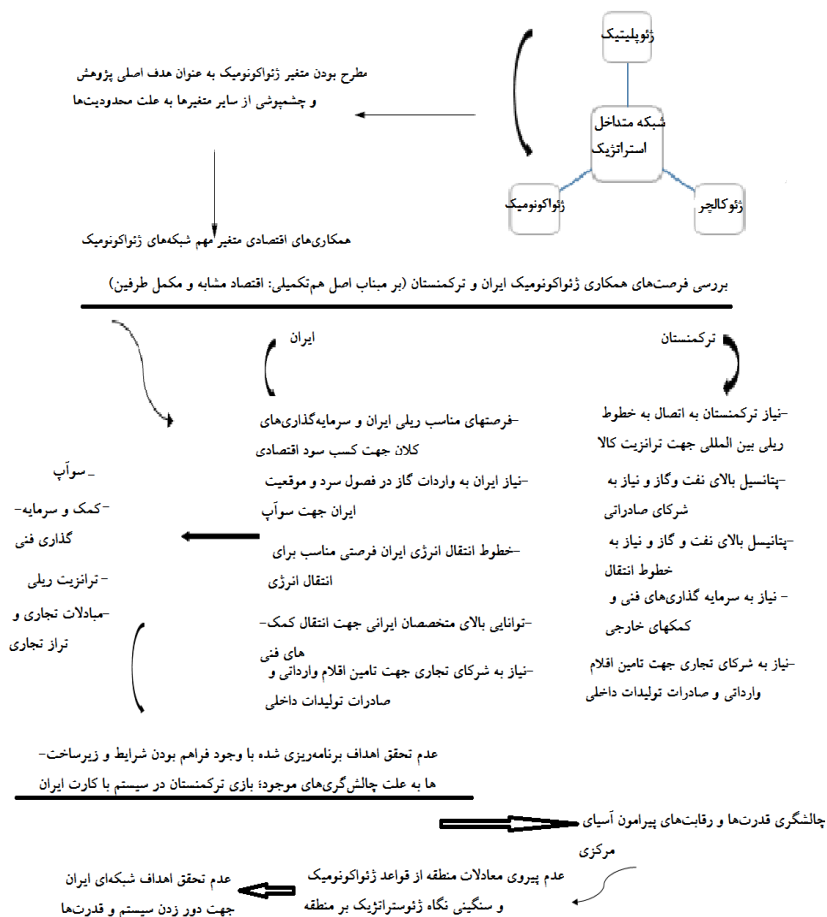
۳-۴-۱. تبلور چالشگری رقابت قدرت‌ها در رژیم حقوقی دریای خزر

اهمیت ژئواکونومیک خزر بیش از هر چیز پیرامون ذخایر انرژی آن می‌گردد. به‌طور کلی حوزه جغرافیایی اوراسیا با برخورداری از ۳۸ درصد گاز، ۶ درصد نفت و ۲۸ درصد زغال‌سنگ جهان پس از خلیج فارس دومین کانون مهم بین‌المللی انرژی را تشکیل می‌دهد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۲-۱۱) جودت بهجت، استاد دانشگاه ایندیانا در پنسیلوانیا، معتقد است که از دیدگاه امریکاییان منابع خزر به‌عنوان «ذخیره احتیاطی بالقوه» به جای خلیج فارس تلقی می‌شود. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۷) این امر در کنار نامشخص بودن رژیم حقوقی این دریا کشورهای مدعی دریای مازندران را به تکاپو واداشته تا هرچه بیشتر از منافع حیاتی خود در این حوزه به دفاع بپردازند. در این میان هرچند قسمت‌های شمالی این دریاچه با توافقنامه‌های دوجانبه بین کشورها تقسیم‌شده، ولی سایر کشورها آن را به رسمیت نشناخته‌اند و از طرفی هم کشورهای جنوب دریا، یعنی ایران، ترکمنستان و آذربایجان هم هنوز نتوانسته‌اند به راه‌حل مشترکی برای تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران دست یابند.

اگر بخواهیم صراحتاً بیان کنیم، ایران در موضوع سهم‌خواهی در دریای خزر، خواستار آن است که یا سهم مساوی از منابع طبیعی برایش در نظر گرفته شود یا اینکه تمامی کشورهای دارای سهم بر اساس سیستم «مالکیت مشترک» به استخراج منابع مشترک بپردازند. (Janosz, 2005) موضع ایران در این قضیه ریشه در قانون بین‌المللی در باب منازعه و وراثت دولت‌ها دارد که در کنوانسیون وین تحت عنوان وراثت دولت‌ها مطرح شده است. (www.eia.gov) به علت

تأخیر بیش‌ازاندازه ایران در تشکیل اجلاس کارشناسی مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر، بیم آن می‌رود که روسیه در یک اقدام استراتژیک به دعوت از سه کشور دیگر باقیمانده از اتحاد شوروی پرداخته، آنان را به یک جلسه دعوت و سپس ایران با یک نظر واحد از طرف چهار کشور دیگر روبه‌رو شود. ویکتور کالوژنی، نماینده روسیه در امور دریای خزر تا به حال در مورد اتخاذ موضع واحد چهار کشور سخن گفته است. روش پوتین نیز که مسئله خزر را جدی‌تر از سلف خویش می‌داند به همین جهت است. پوتین قرارداد مهم خرید گاز از ترکمنستان را منعقد کرده، با قزاقستان سندهای همکاری جدید امضا کرده است و قرار است در مورد تحدید حدود مرزهای آبی دو کشور در دریای خزر، قراردادی از نوع قرارداد روسیه و قزاقستان، منعقدشده در سال ۱۹۹۸، امضا شود. کاملاً واضح است که اهداف و چشم‌داشت‌های امریکا فراتر از نفت و گاز منطقه است. با این حال این پژوهش بر این نظر است که ژئوپلیتیک خزر با ژئوآکونومی آن درهم‌آمیخته و امکان تمایز میان آن‌ها وجود ندارد. به عبارتی، هر قدرتی که بر ذخایر انرژی منطقه مسلط شود بر ژئوپلیتیک منطقه نیز سلطه خواهد یافت. نکته قابل‌تأمل این است که خزر و مسائل پیرامون آن که می‌توانست به‌عنوان نقطه اشتراک ایران و ترکمنستان، با توجه به نگاه مشترکشان در مراحل اولیه باشد، اکنون به‌عنوان متغیری تحت عنوان چالش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

استراتژی سبده سازی ایران در آسیای مرکزی: امکان‌سنجی



۴. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت حلقه آسیای مرکزی در استراتژی شبکه‌سازی ایران، امکان‌سنجی گره ترکمنستان در این حلقه بر مبنای ویژگی‌های ژئوآکونومیکی طرفین و فرصت‌ها و چالش‌های پیشرو به‌عنوان مسئله اصلی پژوهش قرار داشته است. در راستای نتایج حاصل‌شده باید اذعان داشت که در این بین، ایران علی‌رغم در پیش گرفتن سیاستی سازگارپذیر و سازنده در قبال کشورهای آسیای مرکزی نتوانسته از امتیازات ژئوپلیتیکی و ژئوآکونومیکی و سایر مزایای خود استفاده کند. با وجود اینکه حجم مبادلات بازرگانی ایران با برخی از کشورهای منطقه بالاست، نمود بارز حوزه نفوذ و قدرت اقتصادی ایران تنها در عرضه بازرگانی تاجیکستان مشاهده می-

شود. در واقع غیر از این کشور، ایران جزء شرکای تجاری عمده سایر کشورها نیست و در همین راستا، علی‌رغم علاقه ایران به همکاری و ایجاد زیرساخت‌های متناسب این همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف از جمله ترانزیت و سوآپ به‌ویژه در رابطه با ترکمنستان که به آن اشاره شد، میزان همکاری‌ها و دستاوردها بسیار پایین‌تر از حد انتظار به نظر می‌رسد.

بررسی دقیق و موشکافانه مناسبات دو کشور در سال‌های اخیر نشان‌دهنده این است که در چند ساله اخیر به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن قربان قلی بردی محمداف در ترکمنستان آهنگ رشد مناسبات دوجانبه با برخی از نواحی مزاحم همراه بوده است. باید در نظر داشت که هر دو کشور برای توسعه مناسبات با موانعی هم‌روبرو هستند که مهم‌ترین آن‌ها فشار امریکا، نگرانی روسیه و درنهایت، فعالیت اسرائیل در این کشور تحت پوشش شرکت‌های کشاورزی است.

متغیر بسیار مهم و تأثیرگذار، متغیر سیستم بین‌الملل است که بیشترین تأثیر خود را بر واحدهای ضعیف و کوچک‌تر دارد؛ محور سیاست خارجی امریکا به‌عنوان هژمونی این سیستم در منطقه مورد بحث، از یک‌سو مهار ایران است؛ بنابراین، آنچه در آسیای مرکزی مطرح می‌شود سیاست همه‌چیز بدون ایران است. همان‌گونه که مطرح شد کشورهای فقیر این منطقه برای توسعه اقتصادی به‌شدت نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی بوده، برای کسب امنیت به قدرت‌های خارجی متکی هستند. با توجه به مطرود بودن ایران در ساختار و با ارائه شدن کشورهای دیگر مانند ترکیه، با دارا بودن توان سرمایه‌گذاری بیشتر و الگوی موفق‌تر اقتصادی، به‌عنوان بدیل-هایی برای ایران مطرح می‌باشند. با توجه به این موضوع عملاً نه‌تنها مزیت اقتصادی در همکاری با ایران وجود ندارد، بلکه این کشور خواهان از دست دادن اتکای خارجی امنیت خود در مقابل همکاری با ایران نیست. می‌توان این‌گونه بیان کرد که برخلاف ایران که در پی برهم زدن نظام موجود در ساختار است این کشور نه‌تنها در این هدف با ایران اشتراکی ندارد، بلکه حاضر به هزینه دادن در سیستم بین‌الملل به دلیل همکاری با ایران نیست. نقش سیستم بین‌الملل و در واقع قدرت‌های بزرگ در ایجاد موانع برای دستیابی به اهداف، در واقع خود نشان‌دهنده نقصان چهارچوب نظری نظریه شبکه‌سازی حداقل درباره این بحث است، زیرا از اهداف اصلی شبکه ایران، دور زدن قدرت‌های بزرگ در راستای کسب منافع و دستیابی به اهدافی چون بازدارندگی بود. نتیجه محتوم این امر عدم دستیابی ایران به اهداف مشخص‌شده سیاست خارجی ایران در این منطقه، اعم از کسب منافع اقتصادی، جلب اعتماد و کسب وجهه جدید سیاسی و مقابله با عوامل بازدارنده ایران در منطقه و درنهایت ایجاد شبکه‌سازی گسترده با مطرح بودن منطقه به‌عنوان یکی از گره‌ها خواهد بود.

همان‌گونه که خانم شیرین هانتر هم به نوعی اشاره می‌کند، نتایج نامطلوب برای ایران را باید در عدم تمایل ایران در تطبیق با شرایط و واقعیت‌های حاکم بر نظام بین‌المللی جست‌وجو کرد که علی‌رغم سیاست‌های سازنده نتوانسته به اهداف خود در آسیای مرکزی دست یابد. کشورهای

منطقه در راستای جست‌وجوی منافع در سیستم بین‌الملل از بازی با کارت ایران استفاده کرده، در جهت منافع سیستم و خلاف برنامه‌های ایران حرکت می‌کنند. (هانتر، ۱۳۹۲: ۳۲۹)

بنابراین، ایران نه تنها هنوز نتوانسته از این منطقه به‌عنوان یکی از حلقه‌های ژئوپلیتیکی خود استفاده کند، بلکه در ایجاد روابط اقتصادی ابتدایی خود نیز به دلیل فقدان تغییر در سیاست خارجی و عدم تطابق آن با واقعیت‌های موجود و دعوی مستمر با جهان غرب دچار مسائل و مشکلات متعددی شده است. البته با توجه به آغاز مذاکرات با غرب، به‌ویژه با امریکا امیدهای تازه‌ای پیرامون همکاری‌های گوناگون ایران با جهان به‌ویژه حلقه‌های پیرامونی به وجود آمده است. چنانچه مشاهده می‌شود، کشورها و شرکت‌های مختلف خواستار تجدید یا ایجاد رابطه - حداقل در سطح اقتصادی - با ایران هستند. در همین راستا پیرامون مذاکرات ایران و ترکمنستان در رابطه با موضوعات گذشته مانند ترانزیت و غیره امیدواری‌های زیادی اعلام می‌شود. که اگر نگاه به این روابط صرفاً اقتصادی باشد می‌توان به آن با نگاه مثبت نگریست، اما چنانچه در شبکه، علاوه بر اهداف اقتصادی اهدافی نظیر بازدارندگی نیز مدنظر باشد، باید با دیدی روشن‌تر به این‌گونه همکاری‌ها توجه کرد. محتوم‌ترین نتیجه پژوهش، سنگینی سایه نگاه محاسبات و مناسبات ژئواستراتژیک بر منطقه است. مشاهده کردیم که برخلاف سیرهای مختلف نظری که به آن اشاره شد، تحلیل مسائل مطرح‌شده را نمی‌توان تنها با خط‌کش ژئوآکونومیکی و اقتصادی اندازه‌گیری کرد و نیاز به محک‌های ژئواستراتژیک دارد که همچنان اعتبار خود را برای ارزیابی مسائل منطقه حفظ کرده است.

کتاب‌نامه الف- کتاب

۱. حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۳)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۲)، سیاست خارجی ج.ا.، تهران: سمت، چاپ دوم.
۴. قاسمی، فرهاد، (۱۳۹۰)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
۵. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایران، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۶. واعظی، محمود، (۱۳۸۸)، نفت و سیاست خارجی، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک، چاپ اول.
۷. هاتر، شیرین، (۱۳۹۲)، سیاست خارجی ایران در دوران بعد از فروپاشی شوروی، ترجمه مهدی ذوالفقار، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.

ب- مقالات

۸. بهمن، شعیب، (۱۳۸۹)، «همزمن‌گرایی منطقه‌ای و منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، تاکستان: دانشگاه آزاد اسلامی، سال اول، شماره ۱، ۵۷-۷۸.
۹. کامران، حسن و همکاران، (۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل ژئواکونومیک و روابط تجاری ایران با کشورهای CIS»، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، تهران: انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال هفتم، شماره ۲۳، ۷-۲۸.
۱۰. قاسمی، فرهاد؛ لطفیان اکبرآبادی، زهرا، (۱۳۹۲)، «تأثیر شبکه متداخل استراتژیک ایران بر دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره ۲، ۹۴-۱۲۵.
۱۱. قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۱)، «طرح مفهومی مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال ۹، شماره ۴، ۳۵-۵۸.
۱۲. قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۶)، «نگرش تئوریک به طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، سال ۳، شماره ۱، ۹۷-۱۲۷.

۱۳. قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۷)، «نگرش شبکه‌ای به مناطق و تحلیل آن‌ها از دیدگاه تئوری‌های سیکلی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، سال ۴، شماره ۱، ۱۳۴-۹۶
۱۴. مختاری هشی، حسین، (۱۳۸۹)، «امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، سال ششم، شماره دوم، ۹۵-۱۲۴.
۱۵. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، «دورنمای ژئوپلیتیک منطقه خزر - آسیای مرکزی»، دوماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، تهران: موسسه اطلاعات، شماره‌های ۱۵۵-۱۵۶.
۱۶. میرحیدر، دره، (۱۳۷۷)، «ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد: پژوهشکده امیرکبیر، سال سیزدهم، شماره ۴، ۳-۲۳.

ج- اینترنتی

۱۷. باشگاه خبرنگاران جوان، (۱۳۹۳/۳/۱۸)، «نگاهی به تاریخچه گسترش همکاری‌های ایران- ترکمنستان در تمامی سطوح»، سرویس بین الملل باشگاه خبرنگاران جوان، قابل بازیابی در:
- <http://www.yjc.ir/fa/print/4800863>
۱۸. بهشتی پور، حسن، (۱۳۹۳/۹/۱۹)، «دروازه توسعه مناسبات» همشهری آنلاین، کد مطلب: ۲۴۵۴۳، قابل بازیابی در:
- <http://www.hamshahronline.ir/details/24543>
۱۹. خبرگزاری ایسنا، (۱۳۹۳/۶/۱۵)، «بی‌رغبتی کشورهای همسایه برای ازسرگیری سوآپ نفت با ایران»، سرویس اقتصادی-انرژی، کد خبر، ۹۲۱۰۱۷۰۹۳۳۵، قابل بازیابی در:
- <http://isna.ir/fa/news/92101709335/%D8%A8.BE>
۲۰. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۳/۳/۳)، «توافقنامه ریلی ایران، ازبکستان و ترکمنستان امضا شد» شناسه خبر: ۳۵۲۹۸۶ سرویس اقتصادی ۱۳۹۳/۲/۰۸، قابل بازیابی در:
- <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/02/08/352986/%D8%AF>
۲۱. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۳/۱/۲۵)، «راه آهن شمال - جنوب کلید افزایش ترانزیت بار»، شناسه خبر: ۲۷۶۲۱۴ سرویس اقتصادی ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، قابل بازیابی در:
- <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/11/19/276214/%D8>
۲۲. خبرگزاری فارس، (۱۳۹۳/۷/۶)، «نظری بر روابط ایران و ترکمنستان در دو دهه اخیر»، گروه دفاتر منطقه ای فارس / حوزه آسیای مرکزی و روسیه، ۱۳۹۲/۸/۴ شماره: ۱۳۹۲۰۸۰۴۰۰۰۸۷۵، قابل بازیابی در:
- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920804000875>

۲۳. حسنی، علیرضا، (۱۳۹۱/۱۰/۲)، «بررسی قرارداد سوآپ و تحلیل ماهیت حقوقی آن در ساختار حقوقی ایران»، وبسایت حقوق خصوصی، حقوق تجارت و بین‌الملل، قابل‌بازرسی در:

<http://hasanilaw.blogfa.com/post/181>

۲۴. کیانی، زینب، (۱۳۹۳/۳/۱۳)، «نیم‌نگاهی به روابط کشورهای آسیای مرکزی گزارشی از روابط ایران-ترکمنستان در دهه گذشته»، پایگاه تحلیلی-خبری صاحب‌نیوز، قابل‌بازرسی در:

<http://sahebnews.ir/98937/%DA.htm>

25. www.eia.gov; International energy data and analysis, 2014/9/12:

26. <https://www.eia.gov/beta/international/analysis.cfm?iso=IRN>

د- انگلیسی

27. Buzan, B., & Weaver, O. (2003). **Regions and power: the Structure of International Security**. New York: Cambridge University Press.
28. CIA World Factbook 2014, Library of Congress Country Studies, US Department of State: http://www.workmall.com/world_fact_book_2014/index.html.
29. Energy Information Administration (EIA), (2014), **Office of Energy Markets and Use projections. & Annual Energy Outlook**, DOA/EIA-0383
30. FACTS Global Energy, Iran Oil and Gas Monthly Reports, and eia 2013
31. Grieco, Joseph m (1999); **realism & regionalism in Ethan b.kapestein and Michael mastanduno, eds: unipolar politics: realism and strategies after the cold war**, New York: Colombia university press.
32. <http://www.gasandoil.com>/the-legal-regime-of-the-Caspian-sea- (2014) **except as noted for the United States.**
33. https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/docs/30_years.2015/Prof.
34. Janusz ,Barbara, (2005)'' **the Caspian Sea: Legal Statue and Regime problem**'' Briefing 5. No. 2 Landen: Chatham House.
35. Luttwak, Edward. N (1990). **From geopolitics to geo-economics: logic of conflict, grammar of commerce**. From the national interest. In: O Tuathail, G & others. The geopolitics reader, (London: Routledge 1998) Teng T. K. das. Bing-sheng (2000); "Instabilities of Strategic Alliances: An Internal Tensions Perspective." *Organization Science*, Jan, Feb 11, 1: 77-101.
36. Policy challenges for USA (1992).'' **Washington Quarterly** 15. No 2. Summer 1992 White Dulas r (2004); network analysis and social dynamics, cybernetics and system: an international journal 35(173-175) 175-179